

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. 158 Chamber One

پرونده شماره ۱۵۸

شعبه یک

حکم شماره ۱ - ۱۵۸ - ۲۳۸

دیوان داورى دعوى ایران - ایالات متحده

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعوى ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	20 JUN 1986 ۱۳۶۵ / ۲ / ۲۰
No.	158

192

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

ارونوترانیک اورسيز سرويسز، اینک . .

خواهان ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ،

خواندگان،

حکم

حاضران:

از جانب خواهان :

آقای ک . ای . ولف ،

آقای آر . مک کال ،

وکالی خواهان .

آقای اچ . پرسلین ،

آقای ج . مک نالی ،

نمایندگان خواهان .

از جانب خوانندگان : آقای اکبر شیرازی ،

از طرف نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران ،

آقای اسدالله نوری ،

مشاور حقوقی نماینده رابط ،

آقای حسین پیران ،

دستیار نماینده رابط ،

آقای فاطمی ،

وکیل نیروی هوایی ،

آقای مسلمی ،

آقای سیدی ،

نمایندگان نیروی هوایی .

۱- ادعای پرونده حاضر از قراردادی ناشی می شود که بین سلف خواهان، فیلکو اورسیز سرویسز، اینک ("فیلکو")، و نیروی هوایی شاهنشاهی ایران جهت مهندسی، ساختمان و آزمایش یک سیستم ارتباطی زمین به هوا، در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۷۰ (۸ بهمن ماه ۱۳۴۸) منعقد گردید. خواهان، ارونوترانیک اورسیز سرویسز اینک ("ارونوترانیک") مبلغ ۲،۹۶۹،۱۱۵ دلار از نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ("نیروی هوایی") و دولت جمهوری اسلامی ایران ("دولت") به عنوان کلاً مبلغ لازم التادیه ادعایی بابت صورتصاحبهای پرداخت نشده، انجام کارهای اضافی، هزینه های تاخیر و حق الوکاله های پرداختی جهت اعتراض به برگ های تشخیص مالیاتی مطالبه می کند. بهره و هزینه های حقوقی نیز مورد ادعاست.

۲ - خواهان همچنین خواستار اعلام این مطلب از جانب دیوان است که نیروی هوایی باید کلیه مالیاتها و جرایم مورد مطالبه از ارونوترانیک در رابطه با قرارداد را بپردازد و ارونوترانیک از کلیه این قبیل مسئولیتها آزاد و مبری شناخته شود.

۳ - خواندگان منکر مسئولیت هستند. نیروی هوایی ادعای متقابلی بابت خسارات ناشی از عدم اجرای قرارداد توسط خواهان به میزان ۵,۱۰۰,۰۰۰ دلار، مبلغ ۸۱۳,۲۰۷,۰۲۱ ریال بابت مالیات و مبلغ ۸۴,۱۳۰,۲۶۴ ریال بابت حق بیمه اجتماعی مطرح ساخته است. نیروی هوایی بهره نیز مطالبه می کند، و هر دو خواننده خواستار هزینه های حقوقی هستند.

اول - موضوعات شکلی

۴ - در تاریخ ۲۲ فوریه ۱۹۸۴ (سوم اسفند ماه ۱۳۶۲)، خواهان نسخه ای از سند اطلاعات مربوط به هزینه ادعایش را که شامل پنج مجلد تحت عنوان " شرح هزینه " بود، نزد دفتر دیوان تودیم کرد. وی طی نامه منضم به سند اظهار داشت که " دو نسخه از این مجلدات در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۸۴ (۲۶ دی ماه ۱۳۶۲) برای خواندگان ایرانی پرونده شماره ۱۵۸ با پست ارسال شده است. دفتر دیوان " پنج مجلد مذکور را به عنوان ضامم پرونده اصلی نزد خود نگاه داشت " تا در صورت درخواست مورد بررسی واقع شود.

۵ - در جلسه استماع، خواندگان اظهار داشتند که این مدارک را دریافت نکرده اند و درخواست کردند که اسناد طبق قواعد دیوان بدانها ابلاغ و به ایشان فرصت کافی داده شود که پس از جلسه استماع راجع به آن اظهار نظر کنند. خواهان ضمن اعتراض به این تقاضا پیشنهاد کرد که نسخه دیگری از اسناد را فی المجلس در اختیار خواندگان قرار دهد. دیوان داوری تصمیم گرفت که پنج مجلد را، " در وضعیتی که تسلیم شده بودند "، بدون هیچگونه اظهار نظری نسبت به پذیرش آنها جهت ثبت قبول کند و از طرفین دعوت کرد که راجع به آن در جلسه استماع اظهار نظر کنند. گرچه قابل پیش بینی نبود که

دیوان نیازی به استناد به این اسناد خواهد داشت یانه، با اینحال دیوان داوری به طرفین اطلاع داد که دلایل هرگونه تصمیمی در این رابطه را در حکم صادره خویش ذکر خواهد کرد.

۶ - باتوجه به این واقعیت که دیوان در این حکم به پنج مجلد "شرح هزینه" تسلیمی توسط خواهان استناد نمی نماید، لذا هیچگونه تصمیم دیگری راجع به پذیرش آنها ضروری نیست.

دوم - واقعیات و اظهارات

۷ - در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۷۰ (۸ بهمن ماه ۱۳۴۸) فیلکو، سلف خواهان، قراردادی با نیروی هوایی شاهنشاهی ایران جهت مهندسی، ساختمان و آزمایش یک سیستم ارتباطی زمین به هوا و تاسیسات مربوطه منعقد ساخت ("قرارداد"). حدود کار، طی ۱۳ فقره اصلاحیه متعاقب قرارداد، تغییر و افزایش یافت. خواهان اظهار می دارد که کار وی در هر مورد عبارت بود از ارائه سیستم مشخصی در پایگاههای معینی در ایران، اما برقراری ارتباط بین این پایگاهها جزو مسئولیت وی نبود. اجرای قرارداد و تعدادی از اصلاحیه ها با تاخیر مواجه شد و خواهان مدعی است که تاخیرها سه دلیل عمده داشت: اولاً، نیروی هوایی برخلاف تعهدات قراردادی خود، بطور مداوم از ارائه بموقع تسهیلات به خواهان قصور ورزید. ثانیاً، نیروی هوایی مکرراً حدود کار، بویژه کار مربوط به نصب کامل خارجی را تغییر داد. و بالاخره، طبق اظهار خواهان، وی ناچار شد آزمایش های مجددی در مورد سیستم زمین به هوا انجام دهد، زیرا نیروی هوایی رادیو های معیوبی در اختیار وی گذارده بود. خواهان می گوید که به علت این مشکلات وی متحمل هزینه های اضافی شد و استرداد این هزینه ها را که به ۲,۷۱۸,۱۵۷ دلار بالغ می شود، خواستار است.

۸ - علاوه براین، خواهان مبلغ ۱۱۵,۱۳۳ دلار بابت صورتحسابهای تسلیمی طبق قرارداد را که تادیه نشده، مطالبه می کند. نامبرده همچنین خواستار ۱۳۵,۸۲۵ دلار بابت

حق الوکاله‌های پرداختی به وکلای ایرانی جهت اعتراض به برگهای تشخیص مالیاتی است که طبق اظهار وی می‌بایست توسط نیروی هوایی پرداخت می‌شد. بالاخره، خواهان اعلام این مطلب را از جانب دیوان خواستار است که نیروی هوایی باید کلیه مالیاتها و جرایم مورد مطالبه از ارونوترانیک در رابطه با قرارداد را بپردازد، و ارونوترانیک از کلیه این قبیل مسئولیتها معاف و مبری شناخته شود.

۹ - خواندگان تعدادی ایراد صلاحیتی مطرح ساخته اند. در رابطه با تابعیت امریکایی خواهان، ایشان اظهار می‌دارند که خواهان ادله لازم طبق بیانیه حل و فصل دعاوی را ارائه نداده است. ایشان مضافاً اظهار می‌دارند که قیود حل اختلاف در قرارداد، ادعاها را از حیث صلاحیت دیوان مستثنی کرده است و همچنین استدلال می‌کنند که ادعاهای خسارت ناشی از تاخیر و حق الوکاله وکلای ایرانی، طبق شرط بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا نبوده است.

۱۰ - در رابطه با ماهیت دعوی، نیروی هوایی اظهار می‌دارد که برخی از صورتحسابهای خواهان پذیرفته نشده، خواهان کار مورد تعهد در قرارداد و اصلاحیه‌ها را به پایان نرسانده، بعضی نقشه‌ها را تحویل نداده و در سیستم زمین به هوا نواقصی وجود دارد که خواهان مسئول آنست.

۱۱ - نیروی هوایی ادعای متقابلی جهت بازپرداخت مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ دلار که حسب ادعا بابت خدمات خواهان طبق اصلاحیه شماره ۴ قرارداد پرداخته، مطرح ساخته است. نامبرده اظهار می‌دارد که سیستم زمین به هوا به علت نواقص ارتباطی که خواهان مسئول آنست، قابل استفاده نیست و خواهان ملزم است خسارات متحمل در نتیجه این نواقص را به وی مسترد نماید. خواهان می‌گوید که تعهدات قراردادی اش را ایفا نموده و هرگونه نقصی در سیستم مخابراتی، ربطی به کار وی ندارد.

۱۲ - نیروی هوایی مضافاً مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ دلار هزینه متحمل ادعائی بابت اتمام کاری که خواهان در مورد اصلاحیه شماره ۱۳ ناتمام باقی گذارده، مطالبه می کند. خواهان استدلال می کند که تعهدات موضوع اصلاحیه شماره ۱۳ را انجام داده و پیشنهاد می کند که در ازای پرداخت ادعای مربوط به صورت حساب، نقشه هایی را که معترف به عدم تسلیم آنست، ارائه نماید. خواهان همچنین استدلال می کند که چون در ادعای متقابل بابت کار ناتمام، مبلغی کمتر از رقم صورت حسابهای پرداخت نشده مطالبه گردیده، لذا "ادعای متقابل نیروی هوایی، بنا به تصدیق خود وی باید ممنوع شناخته شود".

۱۳ - نیروی هوایی منکر هرگونه مسئولیتی بابت مالیاتهاست. نامبرده ادعای متقابلی به مبلغ ۸۱۳،۲۰۷،۰۲۱ ریال بابت مطالبات مالیاتی وزارت دارایی از عملکرد خواهان در ایران از سال ۱۹۷۰ الی سال ۱۹۸۱، مطرح ساخته است. نیروی هوایی ادعای متقابل دیگری به میزان ۸۴،۱۳۰،۲۶۴ ریال بابت حق بیمه اجتماعی که حسب ادعا خواهان در رابطه با قرارداد بدهکار است، اقامه نموده است.

۱۴ - خواهان صلاحیت دیوان نسبت به دو فقره ادعای متقابل اخیرالذکر را انکار و همچنین استدلال می کند که ادعاهای متقابل مزبور بی پایه و اساس اند، زیرا طبق قرارداد مالیاتها و حق بیمه اجتماعی جزو مسئولیت نیروی هوایی بوده است.

سوم - دلایل حکم

۱ - صلاحیت

۱۵ - خواندگان از دیوان درخواست کرده اند که اخذ تصمیم در مورد تابعیت امریکایی خواهان در پرونده حاضر، تا معلوم شدن نتیجه پرونده شماره الف / ۲۰ به تعویق افتد. همانطور که قبلاً در پرونده فیوترا تریدینگ اینکورپوریتد و سازمان آب و برق خوزستان،

حکم شماره ۳-۳۲۵-۱۸۷، ص ۷ (انگلیسی) (۱۹ اوت ۲۸/۱۹۸۵ مرداد ماه ۱۳۶۴) در رابطه با درخواست مشابهی، نظر داده شده "تعلیق تصمیمات مربوط به صلاحیت موجب می شود که کار دیوان برای مدت نامعلومی متوقف گردد، زیرا که اتخاذ این نوع تصمیمات تقریبا در هر پرونده ای ضروری است. به دلایل فوق، هر سه شعبه دیوان علیرغم روشن نشدن نتیجه پرونده الف / ۲۰، مداوما" در مورد تابعیت شرکتها تصمیم گرفته اند". بنابراین، درخواست خوانندگان مبنی بر تعویق اخذ تصمیم در مورد صلاحیت در این پرونده رد می شود.

۱۶ - دیوان متقاعد شده است که تابعیت امریکایی خواهان طبق ضوابط مندرج در پرونده فلکسی - وان لیسینگ، اینک و جمهوری اسلامی ایران، پرونده شماره ۳۶ (دستور مورخ ۲۰ دسامبر ۲۹/۱۹۸۲ آذر ماه ۱۳۶۱)، وجنرال موتورز کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، پرونده شماره ۹۴ (دستور مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۳ / اول بهمن ماه ۱۳۶۱) احراز گردیده است. خواهان مدارکی شامل اظهارنامه های نیابت سهام و سوگندنامه های دبیر شرکت و همچنین حسابداران رسمی، تسلیم نموده که نشان می دهد ارونوترانیک در کلیه مواقع ذیربط تماما متعلق به فورد اروسپیس اند کامیونیکیشنز کورپوریشن بوده، که به نوبه خود تماما به فورد موتور کامپنی تعلق داشته و ۹۷/۹۸ درصد صاحبان سهام عادی و ۱۰۰ درصد صاحبان سهام طبقه ب فورد موتور کامپنی، صاحب نشانی هایی در ایالات متحده بوده اند. در ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۵ (۷ مهرماه ۱۳۵۴) خواهان نام خود را از فیلکو، که تحت آن نام قرارداد بسته بود، به ارونوترانیک یعنی نام فعلی اش تغییر داد. این فقط یک تغییر نام بود.

۱۷ - همانطور که دیوان قبلا در قراراعدادی شماره ۱-۱۵۸-۴۴ مورخ (۲۷ اوت ۵/۱۹۸۴ شهریور ماه ۱۳۶۳) خود در پرونده حاضر نظر داده، شرایط قرارداد در مورد حل اختلافات، ادعای حاضر را از صلاحیت دیوان مستثنی نمی کند. ماده چهار بخش ج قرارداد مقرر می دارد:

دآوری

کلیه اختلافات مربوط به تفسیر قرارداد، اجرای شرایط آن، یا خودداری از رعایت آن یا در مورد قوانین حاکم بر آن، به طریق دوستانه بین طرفین حل و فصل خواهد شد.

قسمت ذیربط ماده هفت بخش چ چنین مقرر می دارد:

"حقوق و تعهدات طرفین به موجب این قرارداد از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود".

۱۸ - قیود مذکور در حیطه شروط استثنای بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی قرار نمی‌گیرند. رجوع شود به گیپس اند هیل اینکو شرکت توانیر، و سایرین، قراراعدادی شماره ۶ - ۱ دیوان عمومی، قسمت سوم (۵ نوامبر ۱۳۸۲/۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱).

۱۹ - همانطور که ذیلا بحث خواهد شد، دیوان براین نظر است که ادعای مربوط به خسارات ناشی از تاخیر و حق الوکاله وکلای ایرانی، در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱/۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ پابرجا بوده است.

۲۰ - و بالاخره، همانطور که ذیلا بحث شده است، دیوان چنین نتیجه گرفته است که نسبت به ادعاهای متقابل مربوط به مالیات و حق بیمه اجتماعی صلاحیت ندارد.

۲ - ماهیت دعاوی

الف) ادعای مربوط به صورتحسابها

۲۱ - خواهان اظهار می دارد که بابت پرداخت مبالغ متعلقه بابت اصلاحیه های قرارداد، سه فقره صورتحساب به نیروی هوایی تسلیم کرده که پرداخت نشده است: یک فقره صورتحساب به تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۷۴ (۹ بهمن ماه ۱۳۵۲) بابت کار انجام شده طبق اصلاحیه شماره ۷ و دو فقره صورتحساب، هر دو به تاریخ ۱۳ مه ۱۹۷۸ (۲۳ اردیبهشت

ماه ۱۳۵۷) که به کار انجام شده بابت اصلاحیه شماره ۱۳ مربوط اند. خواهان اظهار می دارد که جمع این سه صورتحساب ۱۳۵،۱۳۳ دلار است. نیروی هوایی هرگونه مسئولیتی جهت پرداخت این صورتحسابها را انکار و ادعا می کند که خواهان تعهدات قراردادی اش را به طور کامل ایفا نکرده، تمامی سیستم ارتباطی غیرقابل استفاده بوده و به پایان رساندن کاری که خواهان ناتمام باقی گذارده، صدها هزار دلار برای نیروی هوایی هزینه برداشته است. خواهان تصدیق می کند که سه قلم از کارها را به پایان نرسانده و قبول دارد که قیمت دو قلم از این اقلام ناتمام باید از مبالغ متعلقه به وی کسر شود. در رابطه با قلم سوم، یعنی نقشه های اجرایی، خواهان پیشنهاد می کند که این نقشه ها را پس از پرداخت ادعای مربوط به صورتحسابها در اختیار نیروی هوایی قرار دهد. بنا به اظهار خواهان، دو قلم کار ناتمام دیگر، طبق توافق طرفین به خدمات نظارتی تغییر داده شد و نامبرده این خدمات را عرضه نمود، لیکن نیروی هوایی هرگز انجام آنرا تقاضا نکرد.

۲۲ - دیوان داوری متقاعد شده است که سوای پنج فقره کار ناتمام مذکور در بالا، خواهان تعهدات خود بابت اصلاحیه های قرارداد را ایفا نموده است. طی جلسه ملاقاتی در تاریخ ۱۶ اوت ۱۹۷۸ (۲۵ مرداد ماه ۱۳۵۷) بین نمایندگان مدیریت ارتباط الکترونیک و فرماندهی ارتباط الکترونیک نیروی هوایی و نمایندگان خواهان، شرکت کنندگان در جلسه موافقت کردند که خواهان برای تکمیل اجرای اصلاحیه شماره ۱۳، یعنی آخرین اصلاحیه قرارداد، سرپرستی پاره ای عملیات کابل کشی را عهده دار شده و "پس از ترمیم (سه مورد) نقص باقیمانده... تعهدات قراردادی اش را به انجام رسانده است." در طول یکسال مدت تضمین مقرر در قرارداد، نیروی هوایی مدعی هیچ نقص دیگری نشد. با توجه به تایید صریح تکمیل کار توسط نیروی هوایی در جلسه ملاقات اوت ۱۹۷۸، و با توجه به عدم هرگونه اعتراض و ایرادی به کار خواهان از آزمون تا ثبت لایحه دفاعیه در جریان رسیدگی حاضر، نیروی هوایی اکنون نمی تواند ایرادی اینچنین اساسی مطرح سازد که تمامی سیستم کلا غیرقابل استفاده بوده است. بنابراین، خواهان استحقاق دارد وجه سه فقره صورتحساب پرداخت نشده را دریافت نماید.

۲۳ - معذک برای تعیین مبلغ نهایی متعلقه به خواهان بابت این سه صورت‌حساب، ابتدا سه قلم کار ناتمام باید در محاسبه منظور شوند. خواهان هزینه دو قلم کاری را که طبق اعتراف خود تکمیل نکرده، ۲۰,۰۰۰ دلار برآورد می‌کند. این محاسبه مبتنی بر برآوردی است که خود خواهان در همان زمان برای امور داخلی خود انجام داده بود. دیوان نیز این رقم را بعنوان نزدیکترین برآوردی که در حال حاضر در مورد هزینه کار در آن موقع می‌توان یافت، می‌پذیرد. از آنجا که ادعای حاضر بابت بخشی از قیمت قرارداد است، ۲۶ درصد هزینه‌های بالا سری و ۱۵ درصد سود مقرر در قرارداد باید به رقم ۲۰,۰۰۰ دلار هزینه‌های برآورد شده افزوده گردد. بنابراین، رقمی که باید از مبلغ متعلقه به خواهان بابت سه فقره صورت‌حساب پرداخت نشده کسر گردد، ۲۸,۹۸۰ دلار است.

۲۴ - اکنون که دیوان حکم به پرداخت وجوه صورت‌حسابهای مورد بدهی نیروی هوایی را می‌دهد، همانگونه که خود خواهان نیز تصدیق می‌کند، نامبرده ملزم است که * نقشه‌های اجرائی* را به نیروی هوایی تحویل دهد. در رابطه با خدمات نظارتی که جایگزین آخرین دو قلم کار ناتمام شدند، اظهار خواهان مبنی بر اینکه نامبرده خدمات مزبور را عرضه کرد ولی نیروی هوایی هیچگاه اجرای آنها از وی نخواست، رد نشده است. لذا بابت این اقلام نباید هیچ رقمی کسر شود.

۲۵ - از آنجا که حساب تضمینی مفتوح طبق بیانیه‌های الجزیره به دلار امریکاست، لذا ضرورت دارد که احکام صادره نیز به دلار امریکا ذکر شود. رویه قبلی این شعبه نیز موید این امر است. براین اساس، چون دو فقره از سه صورت‌حساب پرداخت نشده، به ریال بوده و فقط یک فقره به دلار محاسبه شده، بدوا باید مساله نرخ مناسب برای تبدیل ریال به دلار حل شود. در جداول پرداخت منضم به اصلاحیه‌های قرارداد، تصریح شده است که برخی از پرداختهای قراردادی باید به ریال و برخی دیگر به دلار انجام گیرد. به نظر می‌رسد که ارقام ریالی مندرج در دو صورت‌حساب پرداخت نشده، منطبق با ارقامی

هستند که طبق جداول پرداخت، قابل پرداخت به ریال بودند. خواهان مشخص نساخته است که مبالغ ریالی دو صورتحساب را با چه نرخ به دلار تبدیل کرده، و خوانندگان نیز راجع به این موضوع صحبتی نکرده اند. لذا، این مساله مطرح می شود که تاریخ صحیح برای تبدیل مبالغ ریالی که طبق دو صورتحساب لازم التادیه شناخته شده، چه تاریخی است؟

۲۶ - ضابطه ای که دیوان در احکام قبلی خود بکار برده، این بوده که تاریخی را که تعهد باید ایفا می شد، انتخاب و سپس نرخ تبدیل رایج در آن تاریخ را اعمال نماید، مشروط بر آنکه دیوان متقاعد گردد که چنانچه خواهان وجوه را در موعد مقرر دریافت می داشت، عادتاً آنرا تبدیل و منتقل می نمود. برای مثال رجوع شود به: بلاونت برادرز کورپوریشن دولت جمهوری اسلامی ایران، و سایرین. حکم شماره ۱-۵۲-۲۱۵ ص ۳۱ (انگلیسی) (۶ مارس ۱۹۸۶/۱۵ اسفند ماه ۱۳۶۴). نشانه ای حاکی از اینکه وجوه دریافتی بابت قرارداد در ایران نگهداشته می شد، وجود نداشته و اظهاری نیز براین منوال در این پرونده نشده است.

۲۷ - از اینرو، دیوان نتیجه می گیرد که نرخ مناسب جهت تبدیل، نرخ رایج بازار در تاریخی است که هریک از تعهدات باید ایفا می شد. طبق قرارداد، پرداخت بابت خدمات می بایست "در ازاء تسلیم صورتحسابها" و پرداخت بابت مواد و مصالح "به هر صورت... سی روز پس از تسلیم صورتحسابها"، بعمل آید. تاریخ صورتحساب مربوط به مبلغ ۵۹۰،۰۰۰ ریال، ۲۹ ژانویه ۱۹۷۴ (۹ بهمن ماه ۱۳۵۲) است. بنابراین، موعد پرداخت آن حداکثر اول مارس ۱۹۷۴ (دهم اسفندماه ۱۳۵۲) می باشد. طبق صندوق بین المللی پول International Financial Statistics, (Supplement on Exchange Rates 1981) (نرخ رسمی تبدیل ریال به دلار در تاریخ اول مارس ۱۹۷۴ (۱۰ اسفند ماه ۱۳۵۳) ۶۷/۶۲۵ ریال بوده است. لذا، مبلغ قابل پرداخت به خواهان بابت اولین صورتحساب ۸،۷۲۴/۵۸ دلار است. تاریخ صورتحساب مربوط به مبلغ ۹۶۰،۷۵۰ ریال، ۱۳ مه ۱۹۷۸ (۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) می باشد. موعد پرداخت این صورتحساب ۱۳ ژوئن

۱۹۷۸ (۲۳ خرداد ماه ۱۳۵۷) بوده است. نرخ رسمی تبدیل در آن تاریخ ۷۰/۴۷۵ ریال در برابر یک دلار بود. بدینسان، مبلغ قابل پرداخت به خواهان بابت صورت‌حساب سوم ۱۳۰۶۳۲/۴۹ دلار می‌باشد. آخرین صورت‌حساب به مبلغ ۱۱۳۰۷۳۰ دلار احتیاج به تبدیل ندارد. علیهذا، کل مبلغ سه صورت‌حساب یاد شده ۱۳۶۰۰۸۷/۰۷ دلار است.

۲۸ - همانطور که در بالا ذکر شد، مبلغ ۲۸۰۹۸۰ دلار بابت کارهای ناتمام باید از کل مبلغ سه صورت‌حساب، یعنی ۱۳۶۰۰۸۷/۰۷ دلار کسر شود. لذا خواهان کلاً استحقاق دارد مبلغ ۱۰۷۰۱۰۷/۰۷ دلار دریافت نماید.

ب) هزینه تجدید مهندسی، تجدید آزمایش و تاخیر

۲۹ - خواهان اظهار می‌دارد که بابت تجدید مهندسی مورد تقاضای نیروی هوایی و تجدید آزمایش سیستم ارتباطی و تاخیرهای مکرری که فقط نیروی هوایی مسئولش بوده، متحمل هزینه‌هایی گردیده که در قیمت قرارداد منظور نشده و نیروی هوایی آنرا نپرداخته است. خواهان استدلال می‌کند که این هزینه‌های اضافی معلول عواملی به شرح زیر بوده است: اولاً، نیروی هوایی مکرراً حدود کاری را که خواهان ملزم به انجام آن بود، به ویژه در رابطه با کابل کشی خارجی تغییر داد. ثانیاً، نیروی هوایی بطور مداوم در مورد تهیه بموقع تسهیلاتی که طبق قرارداد ملزم به عرضه آن بود و پیشرفت کار خواهان نیز بدان بستگی داشت، قصور ورزید. ثالثاً، نیروی هوایی رادیوهای معمولی تهیه کرد و بدینوسیله خواهان را ناچار ساخت که سیستم زمین به هوا را مجدداً مورد آزمایش قرار دهد.

۳۰ - خواهان با استناد به اینکه تجدید مهندسی به تقاضای نیروی هوایی انجام شده، لذا بازپرداخت هزینه‌های اضافی را "یا پرمبنای تئوری قراردادی ... یا طبق اصول دارا شدن غیر عادلانه" مطالبه می‌کند. ادعای خسارت ناشی از تاخیر، مبتنی بر بند ج ماده سه بخش ب قرارداد است که مقرر می‌دارد چنانچه خواهان در نتیجه عدم ارائه پشتیبانی

مقرر در قرارداد توسط نیروی هوایی متحمل هزینه شده یا کار او با تاخیر مواجه شود،*
 تعدیل منصفانه ای (در بهای قرارداد) بعمل خواهد آمد*. کل مبلغ هزینه های اضافی
 مورد ادعا ۲۰۷۱۸،۱۵۷ دلار است.

۳۱ - خواهان اظهار می دارد که ادعای خود بابت تجدید مهندسی را اولین بار در اکتبر
 ۱۹۷۴ به نیروی هوایی تسلیم نمود. نیروی هوایی سپس قرارداد جدید و به مراتب بزرگتری
 را به خواهان پیشنهاد کرد و خواهان به امید دریافت چنین قراردادی ادعای مربوط به
 تجدید مهندسی را در دسامبر ۱۹۷۴ پس گرفت. هنگامی که نیروی هوایی تصمیم گرفت
 قرارداد جدید را به خواهان واگذار نکند، نامبرده ادعای تجدید مهندسی را ضمن تسلیم
 ادعای مربوط به هزینه های اضافی ناشی از تاخیرها، مجددا ارائه نمود. خواهان می گوید
 که برای ارزیابی آثار تصمیم نیروی هوایی مبنی بر تغییر کامل پایگاه و نوع عملیات کابل
 کشی، وی ادعایش را برای بار دوم پس گرفت، لیکن حق تسلیم مجدد آنرا پس از تکمیل
 بررسی هایش، صریحا برای خود محفوظ نگهداشت. خواهان در تاریخ اول نوامبر ۱۹۷۶
 (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) ادعاهای خود بابت تجدید مهندسی، تاخیرها و تجدید آزمایش را
 به صورت نهایی و به میزانی که در ادعای حاضر مطالبه می شود، تسلیم کرد.

۳۲ - نیروی هوایی استدلال می کند که ادعاهای حاضر در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی
 ماه ۱۳۵۹) پابرجا نبوده، به این دلیل که طرفین کلیه دعاوی فیما بین را در سال ۱۹۷۷ طی
 اصلاحیه شماره ۱۳ قرارداد تسویه نمودند و نیز به این علت که خواهان تا ثبت
 دادخواستش در ۱۷ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آذرماه ۱۳۶۰)، این ادعاها را مطرح نساخته
 بود.

۳۳ - در رابطه با ماهیت این دعاوی، استدلال اصلی نیروی هوایی اینست که اصلاحیه شماره
 ۱۳ قرارداد، که از ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۷ (۳ مردادماه ۱۳۵۶) بمورد اجرا درآمد، مبنای
 کلیه حقوق و تعهدات قراردادی طرفین را در آن تاریخ تشکیل و به ویژه به کلیه ادعاهای

مطروحه خواهان در نامه مورخ اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) وی، فیصله داده است. نیروی هوایی ادعا می کند که به جبران هزینه های اضافی خواهان، نامبرده موافقت کرد که میزان کار را کاهش داده و از خواهان بخواهد که به جای کابل کشی در یازده پایگاه، فقط در یک پایگاه کابل کشی کند. نامبرده اظهار می دارد که این کاهش در میزان کار، موضوع اصلی اصلاحیه شماره ۱۳ بوده و طرفین موافقت کردند که از تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۷ (۳ مرداد ماه ۱۳۵۶) روابط قراردادی آنان منحصرآ تابع آن اصلاحیه باشد. بالاخره، نیروی هوایی استدلال می کند که تصمیم خواهان مبنی بر عدم اعمال حق خویش طبق ماده چهار ج قسمت ب دایر بر فسخ قرارداد و عدم مطالبه هزینه های معقول در صورت نقض قرارداد توسط نیروی هوایی، به معنای اینست که نامبرده از هرگونه حق ادعای خسارت در آینده اعراض کرده است.

۳۴ - به نظر خواهان، موضع نیروی هوایی مبتنی بر برداشت نادرستی است که وی از اصلاحیه شماره ۱۳ دارد. خواهان اظهار می دارد که گرچه طبق اصلاحیه شماره ۱۳ تعداد پایگاههایی که میبایست در آنها کابل کشی می شد کاهش یافت، بااینحال خواهان ملزم گردید که در همان یک پایگاه، کاری بیش از آنچه که مجموعاً در یازده پایگاه قبلی می بایست انجام می داد، اجرا نماید. بنا به گفته خواهان، هر دو طرف پیش از امضای اصلاحیه شماره ۱۳ به این مطلب واقف بودند که خواهان اصلاحیه مزبور را در حکم اسقاط ادعای مربوط به تجدید مهندسی نمی داند. خواهان استدلال می کند که با توجه به اظهار این مطلب در نامه مورخ اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) خود مبنی بر اینکه "مفاد این نامه مبتنی است بر توافقیهای حاصله راجع به این موضوع و انتظار می دارد که اسناد قراردادی لازم به منظور منعکس کردن این تغییرات، صادر گردد"، قصد طرفین این نبوده است که ادعاهای ارونوترانیک را در اصلاحیه ای که حتی اشاره ای به آنها ندارد اسقاط نمایند. خواهان ادعا می کند که همین استدلال در مورد ادعای وی بابت خسارت ناشی از تاخیر نیز صادق است. اصلاحیه ای که کل ارزش آن حدود ۵۰۰،۰۰۰ دلار بوده، نمی توانسته جبران ادعای وی را که مبلغ آن از ۲،۰۰۰،۰۰۰ دلار متجاوز بوده، بنماید.

خواهان اظهار می دارد که حتی شهود نیروی هوای ادعا می کنند که تنها منظور اصلاحیه شماره ۱۳ این بود که مطالبات ارونوترانیک بابت تجدید مهندسی پرداخت شود.

۳۵ - خواهان مضافاً استدلال می کند که نمایندگان وی تا سال ۱۹۷۸ راجع به ادعای وی با مقامات نیروی هوایی همچنان در حال مذاکره بودند و مقامات نیروی هوایی تصدیق کردند که کار اضافی انجام شده و به خواهان اطلاع دادند که پرداخت وجه مربوط به آن تصویب خواهد شد و این واقعیت، موید نحوه تلقی وی از اصلاحیه شماره ۱۳ می باشد.

۳۶ - در رابطه با ایراد مطروحه در مورد صلاحیت دیوان نسبت به ادعای هزینه های اضافی، دیوان داوری براین نظر است که ادعای مورد بحث در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا بوده است. اختلافی در این مورد نیست که اوضاع و احوال موجد ادعای حاضر، پیش از آن تاریخ حادث شده و خواهان بخشهایی از ادعا را چندین مرتبه و تمامی ادعا را حداقل یکبار تا قبل از اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) به نیروی هوایی تسلیم کرده بوده است. ادعای حاضر، قطع نظر از تاثیر اصلاحیه شماره ۱۳، در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا بوده است.

۳۷ - در رابطه با ماهیت دعوی، مساله اساسی اینست که آیا اصلاحیه شماره ۱۳ به ادعای حاضر فیصله داده است، یا خیر. دیوان براساس مدارک موجود نزد خویش، معتقد است که پاسخ این سؤال مثبت است. دیوان داوری با تفسیر نامه مورخ اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) خواهان و اصلاحیه شماره ۱۳ و نیز ارتباط بین این دو سند، همچنین با در نظر گرفتن نحوه عمل طرفین، چه قبل و چه بعد از اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵)، به چنین نتیجه ای رسیده است.

۳۸ - نامه مورخ اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) توسط مدیر امور قراردادهای خواهان در ایران به نیروی هوایی شاهنشاهی ایران نوشته شده است. موضوع نامه،

"افزایش هزینه‌های" قرارداد است. نامه با این عبارت آغاز می‌شود که: "بدینوسیله ارونوترانیک قیمت مقطوع و قطعی هزینه‌های مربوط به توسعه حدود برنامه و خدمات اضافی جهت اجرای فاز چهارم برنامه "پیس نت" (برای نیروی هوایی) را اعلام می‌دارد. کل میزان افزایش قیمت ۲۰۷۱۸۰۱۵۷ دلار است" که به شرح زیر تفکیک می‌شود: یک قلم افزایش بابت سه سری عملیات توسعه دامنه برنامه، یک قلم بابت تجدید آزمایش و یک قلم برای تجدید مهندسی. در دنباله نامه ذکر شده است که اسناد و مدارک موید هزینه در پنج مجلد ضمیمه می‌باشد.

۳۹ - پاراگراف بعدی نامه بدین شرح است:

"گرچه دستور کتبی راجع به اصلاح کابل کشی خارجی هنوز دریافت نشده، با اینحال ملاقاتهای متعددی بین نمایندگان نیروی هوایی شاهنشاهی و ارونوترانیک صورت گرفته که طی آن این تفاهم حاصل شده است که ارونوترانیک مهندسی پایگاههای هوایی خاتمی، پوشهر، تهریز و بندرعباس و همچنین نصب کابلهای خارجی بصورت کانال و چاهک Manhole and Duct را در پایگاه هوایی خاتمی به جای کابل کشی های خارجی مورد نیاز در قرارداد فعلی، برعهده خواهد گرفت. مفاد این نامه مهتمی است بر توافقات حاصله راجع به این موضوع و انتظار دارد که اسناد قراردادی لازم به منظور منعکس کردن این تغییرات، صادر گردد."

۴۰ - در خاتمه نامه، ارونوترانیک ذکر می‌کند که امید است این نامه مطلوب نظر نیروی هوایی باشد تا (ارونوترانیک) بتواند این قلم کار ناتمام را هرچه زودتر به پایان رساند.

۴۱ - طرفین موافقت دارند که گرچه قسمت اول نامه ناظر بر "قیمت هزینه های مربوط به توسعه حدود برنامه و خدمات اضافی" است، با اینحال در حکم مطالبه آن بخش از ادعای خواهانست که تحت عنوان "ادعای تجدید مهندسی، تجدید آزمایش و تاخیر"، در جریان رسیدگی حاضر مطرح گردیده است. طرفین مضافاً قبول دارند که عبارت "اسناد قراردادی لازم به منظور منعکس کردن این تغییرات" مندرج در قسمت دوم نامه، در مورد کابل کشی خارجی، به اصلاحیه شماره ۱۳، یعنی آخرین اصلاحیه قرارداد اشاره می‌نماید. نکته ای که طرفین در مورد آن اختلاف دارند، اینست که چه رابطه ای بین قسمت دوم و

قسمت اول نامه که حاوی ادعای هزینه های اضافی است وجود دارد و نیز اینکه چه نتیجه ای باید از عدم ذکر آن ادعا در اصلاحیه شماره ۱۳ گرفته شود.

۴۲ - دیوان داوری خاطر نشان می سازد که ارونوترانیک در قسمت اول نامه قید کرده است که قیمت خدمات اضافی را "اعلام می دارد" (تاکید اضافه شده است). قسمت دوم نامه به این مطلب اشاره دارد که "مفاد این ناممبنتی است بر توافق های حاصله راجع به تغییرات در کابل کشی خارجی و انتظار دارد که اسناد قراردادی لازم حاوی این تغییرات صادر گردد". (تاکید اضافه شده است). گرچه طبق قرارداد هیچ اصلاحیه ای جهت منظور کردن هزینه های اضافی خواهان ضروری نبوده، بااینحال از نحوه انشای نامه چنین برمی آید که چون منظور طرفین از این اصلاحیه نهایی، این بوده که تکلیف کلیه حقوق و تعهدات باقیمانده به موجب قرارداد روشن شود، در واقع رابطه ای بین آن هزینه ها و اصلاحیه تنظیمی شماره ۱۳ مورد نظر، ایجاد کردند. همین استنباط را می توان از این واقعیت نیز حاصل کرد که خواهان قبلاً ادعای خود بابت تجدید مهندسی و تاخیر را به علت تغییرات مورد نظر در عملیات کابل کشی خارجی پس گرفت، زیرا می خواست تاثیر این قبیل تغییرات را بر ادعاها ارزیابی کند.

۴۳ - "اسناد قراردادی لازم" که در نامه مورخ اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) مورد اشاره قرار گرفته بعداً فی الواقع به صورت اصلاحیه شماره ۱۳ قرارداد صادر گردید. در ۲۲ نوامبر ۱۹۷۶ (اول آذر ماه ۱۳۵۵) خواهان نسخه ای از اصلاحیه شماره ۱۳ را که خود امضاء کرده بود، جهت امضاء برای نیروی هوایی فرستاد. همانطور که در نامه منضم به اصلاحیه قید شده "این اصلاحیه مبین دستوری است که (به ارونوترانیک) داده شده تا مهندسی و کابل کشی خارجی پایگاه خاتمی، و مهندسی عملیات کابل کشی خارجی در سه پایگاه دیگر را، بدون اینکه هیچگونه هزینه اضافی (برای نیروی هوایی) دربرداشته باشد، عهده دار شود." طبق نامه، این عملیات به جای کابل کشی هایی که قبلاً طی قرارداد لازم بوده، باید انجام می شد. در نامه هیچگونه اشاره ای به ادعاهای

خواهان بابت هزینه های اضافی نشده است.

۴۴ - اصلاحیه شماره ۱۳ از تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۷ (۳ مرداد ماه ۱۳۵۶) به مرحله اجرا در آمد. موافق با هدف و منظور مصرح در آن (یعنی تغییر حدود کاری که می بایست توسط خواهان طبق قرارداد انجام می شد)، در اصلاحیه قید شده است که خواهان می بایست به جای کابل کشی خارجی در یازده پایگاه، سیستم کابل خارجی متفاوتی را تهیه و در پایگاه هوایی خاتمی نصب و مهندسی کابل کشی سه پایگاه هوایی دیگر را برعهده بگیرد. نتیجتاً، طبق اصلاحیه بهای عملیات نصب کابل خارجی تعدیل و جدول پرداخت جدیدی برای آن کار تعیین گردید. معذک، اصلاحیه فقط به کار کابل کشی مربوط نبوده، بلکه "سایر کارهای مربوط به اصلاحیه شماره ۴" را نیز شامل می شد. در اصلاحیه، همچنین جدول پرداخت دیگری برای حق الزحمه مربوط به آن کار، تنظیم و بدین ترتیب تمامی جدول پرداخت اصلاحیه شماره ۴ را که در طول اجرای آن تاخیرهایی حادث شد که موضوع ادعای خواهان بابت خسارات ناشی از تاخیر است، تغییر داد. به موجب اصلاحیه، برنامه جدیدی نیز در مورد تحویل کار تنظیم و بالاخره "کل قیمت مقطوع کار" تمامی قرارداد نیز افزایش یافت. معبذا، اصلاحیه شماره ۱۳ نه به هزینه های خواهان بابت تاخیر اشاره دارد و نه به هزینه های اضافی وی جهت تجدید مهندسی و تجدید آزمایش. با در نظر گرفتن رابطه ای که بین تسلیم ادعای هزینه های اضافی در نامه مورخ اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) خواهان و اصلاحیه شماره ۱۳ احراز گردید، و فقدان هرگونه اشاره ای به این ادعا در آن اصلاحیه، همراه با نحوه عمل خواهان قبل و بعد از تاریخ اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) که شرح آن ذیلا خواهد آمد، دیوان به این نتیجه گیری سوق داده می شود که بمجرد اینکه اصلاحیه شماره ۱۳ رسمیت یافت، خواهان استحقاق دریافت هرگونه هزینه ای را که در آن اصلاحیه ذکر نشده بود، از دست داد.

۴۵ - خواهان پس از نامه اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) خودو علی رغم امضای اصلاحیه شماره ۱۳، تا ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۱ (۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۰) که محاسبات و اسناد

تاییدی اش را در ارتباط با مذاکرات مصالحه به نیروی هوایی تسلیم کرد، و بعداً تا ۱۷ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آذر ماه ۱۳۶۰)، که دادخواستش را نزد دیوان به ثبت رساند، کتاباً ادعای خود بابت هزینه های اضافی را مطرح نساخت. باتوجه به نحوه عمل قبلی وی در مورد ادعای هزینه های اضافی، سکوت خواهان اکنون وی را از طرح آن ادعا ممنوع می سازد. خواهان اولین بار طی نامه مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۷۴ (۶ آبان ماه ۱۳۵۳) خود ادعای هزینه های تجدید مهندسی را مطرح ساخت. گرچه در آن موقع هیچگونه ادعائی بابت تاخیر رسماً مطرح نشد، خواهان به نیروی هوایی اطلاع داده بود که تاخیرهایی که تا بحال رخ داده می تواند منجر به طرح چنین ادعایی بشود. در دسامبر ۱۹۷۴، خواهان ادعای هزینه تجدید مهندسی را به دلیل تفاهم حاصله با نیروی هوایی مبنی بر اینکه قرارداد بزرگ جدیدی به وی واگذار خواهد شد، پس گرفت. پس از آنکه چنین قراردادی واگذار نشد، خواهان طی نامه مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۷۵ (اول دی ماه ۱۳۵۴) از نو ادعای خود جهت تجدید مهندسی را تسلیم و در عین حال ادعای خویش بابت هزینه های تاخیر را نیز اقامه نمود. همانطور که در بالا به تفصیل شرح داده شد، نامبرده ضمن نامه مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۷۶ (۱۶ شهریور ماه ۱۳۵۵) مجدداً ادعاهای خود جهت تجدید مهندسی و تاخیر را به منظور بررسی تاثیر تغییرات مربوط به کار کابل کشی خارجی مسترد نمود. خواهان در نامه اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) خود این دو فقره ادعا و ادعای مربوط به هزینه های تجدید آزمایش را کلاً به رقمی که در دادخواست حاضر مطالبه می شود، مطرح ساخت. این نامه حاوی اشاره مورد بحث به اصلاحیه شماره ۱۳ است. از این نحوه عمل چنین برمی آید که خواهان نه تنها ادعای خود بابت هزینه های اضافی را کتاباً تسلیم نموده، بلکه همچنین پس از آنکه ادعا را به دلایل مختلف پس گرفته یا از آن چشم پوشی کرده، صریحاً آنرا بار دیگر مطرح ساخته است. تصادفاً این نحوه عملی است که در مورد ادعایی با چنین مبلغ گزاف، و در روابط قراردادی که دستخوش اینهمه تغییرات و تحولات و اصلاحات می شود، می توان انتظار داشت به ویژه در مراحل آخر اجرای قرارداد که نیاز به تعریف روشنی از حقوق و تعهدات باقیمانده آشکار شد.

۴۶ - نه تنها در شرح این چنین حقوق و تعهدات در اصلاحیه شماره ۱۳ ذکری از ادعای تاخیر نشده، بلکه مرادوات بعدی طرفین نیز اشاره ای به چنین ادعایی ندارد. خواهان در گزارش وضعیتی که در تاریخ ۲۳ آوریل، ۱۹۷۸ (سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) در خصوص کارهای پایگاه خاتمی طبق اصلاحیه شماره ۱۳ به نیروی هوایی تسلیم نموده، ضمن مطالب دیگر، به اختصار اظهار داشته که " تعهدات خود بابت اصلاحیه شماره ۱۳ و (پایگاه هوایی) خاتمی را ایفاء شده تلقی می نماید" و " تا ۶ مه ۱۹۷۸ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) به عملیاتش در (پایگاه هوایی) خاتمی پایان خواهد داد". گرچه کارهای پایگاه خاتمی بخش اعظم کار باقیمانده بابت اصلاحیه شماره ۱۳ را تشکیل می داد و به نظر می رسید که این کار در آن موقع در شرف اتمام است، با اینحال در آن گزارش صحبتی از ادعاهای موجود علیه نیروی هوایی نشده است. در جلسه ملاقات بین نمایندگان خواهان و نیروی هوایی در تاریخ ۱۶ اوت ۱۹۷۸ (۲۵ مردادماه ۱۳۵۷)، که در آن طبق تصدیق طرفین آخرین ارقام ناتمام کار مشخص، و تصدیق شد که پس از اتمام آن "خواهان تعهدات قراردادی خود را به پایان رسانده"، باز ذکری از ادعای مربوط به هزینه های اضافی به میان نیامد. بالاخره، سوابق امر شامل تلکسی است به تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۷۸ (۲۷ مهر ماه ۱۳۵۷)، از مدیر برنامه خواهان که در آن موقع مسئول نظارت بر اجرای کلیه قراردادهای نظامی خواهان در ایران بود، به عنوان سرپرست خود، که حاوی "شرح وضعیت (قرارداد)" است. در تلکس، زیر عنوان ارقام ناتمام" پنج قلم کار ناتمام بابت اصلاحیه شماره ۱۳ که در بالا تشریح شد و سه فقره صورتحساب که خواهان پرداخت آنرا در ادعای حاضر مطالبه میکند به عنوان "مانده پرداخت نشده" ذکر شده است. تلکس مزبور همچنین حاوی جدول زمانی تکمیل ارقام ناتمام و برآورد هزینه های آنست. در خاتمه تلکس، وضع موجود در مورد مالیاتهای مورد مطالبه از خواهان در ایران، شرح داده شده است. گرچه تلکس ظاهراً " حاوی شرح وضعیت تمامی قرارداد است و در واقع به کلیه موضوعات دیگر ادعای حاضر پرداخته، با اینحال اشاره ای به هیچگونه ادعای هزینه های اضافی در آن نشده است.

۴۷ - خواهان اظهار می دارد که قابل تصور نیست که وی از ادعایی به مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ دلار در ازاء اصلاحیه ای که کل قیمت آن فقط ۵۰۰۰۰۰۰ دلار بوده، صرفنظر کرده باشد. بعلاوه، وی اظهار می دارد که در واقع ادعایش را طی مذاکراتی که با نمایندگان نیروی هوایی تا اوایل سال ۱۹۷۸ داشته، پیگیری نموده است. در تایید ادعای اخیر، نایب رئیس وقت خواهان در ایران در جلسه استماع شهادت داد که چند هفته پس از نامه مورخ اول نوامبر ۱۹۷۶ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۵) خواهان، وی ادعای هزینه های اضافی را با مقامات عالیرتبه نیروی هوایی مورد بحث قرار داد و فرمانده نیروی هوایی ادعا را تایید کرد، لیکن در هنگام آخرین مذاکراتش در آوریل ۱۹۷۸، طلب هنوز پرداخت نشده بود. همین مقام اسبق خواهان، طی سوگندنامه ای که پیش از استماع پرونده به ثبت رسید، اظهار داشته که مذاکرات وی با مقامات نیروی هوایی در حوالی فوریه ۱۹۷۷ صورت گرفت. به فرض اینکه مذاکرات مورد اشاره به وقوع پیوسته و تا اوایل سال ۱۹۷۸ به طول انجامیده باشد نیز، این امر نمی تواند تغییری در نتیجه گیری فوق بدهد. کاملاً محتمل است که نایب رئیس خواهان راجع به ادعا با مقامات عالیرتبه نیروی هوایی مذاکره کرده و نامبردگان هم مطالبی به وی گفته باشند. معذاً، این گونه مطالب و اظهارات به قدر کافی قطعیت پیدا نکرده تا جای توافقات کتبی طرفین را بگیرد، و با توجه به معتنا به بودن مبلغ ادعا و نحوه عمل قبلی خواهان، مذاکرات شفاهی در این مورد نمی تواند جای تعقیب کتبی موضوع را بگیرد. امکان داشته است که خواهان، همانطور که قبلاً نیز چنین کرده بود، به دلایلی که ارتباط مستقیم با این قرارداد یا اصلاحیه شماره ۱۳ نداشته، از این ادعا صرفنظر کرده باشد. لیکن واقعیت آنست که با در نظر گرفتن نحوه عمل قبلی وی و سایر اوضاع و احوال پیرامون اصلاحیه شماره ۱۳، وی ادعایش را آنطور که باید و شاید مجدداً مطرح نکرد.

۴۸ - تا آنجا که خواهان بازپرداخت هزینه های تجدید مهندسی را پرمبنای دارا شدن غیرعادلانه مطالبه می کند، چنین وسیله جبران خسارتی در پرونده حاضر موجود نیست. همانطور که دیوان در پرونده تی . سی . اس . بی . اینک . و ایران، حکم شماره ۲-۱۴۰-۱۱۴، صفحات ۱۹-۱۸ (۱۶ مارس ۱۹۸۴/۲۶ اسفند ماه ۱۳۶۲) نظر داده:

"هرجا که قرارداد معتبری وجود داشته باشد، دارا شدن غیرعادلانه در رابطه با طرح دعوی پرمبنای قرارداد، یک نظریه حقوقی تبعی، و یا در بهترین حالت یک نظریه حقوقی ثانوی است." در چنین وضعیتی، تعیین این مساله که اجرای قرارداد منجر به "دارا شدن" طرفی می شود و چنین دارا شدنی نسبت به طرف دیگر "بلاجهت و نارواست"، بدون تعیین دقیق حقوق و تعهدات قراردادی طرفین، میسر نیست. این وضعیتی است که در پرونده حاضر در رابطه با ادعای هزینه های تجدید مهندسی وجود دارد. خواهان ظاهراً ادعا می کند که با اجرای خدمات اضافی مهندسی، طبق درخواستهای طرف قراردادی اش و به موجب تعهدات خود در چارچوب قرارداد، عمل کرده است. نامبرده مدعی است که نیروی هوایی این خدمات را به عنوان اجرای کار قراردادی پذیرفت. از آنجا که قبلاً قراردادی وجود داشته که رابطه حقوقی مبنای این ادعا را مشخص ساخته است، لذا حق تعقیب پرمبنای دارا شدن غیرعادلانه به عنوان حق جانشین در پرونده حاضر مطرح نمی گردد.

ج) حق الوکاله وکلای ایرانی

۴۹ - خواهان مبلغ ۱۳۵،۸۲۵ دلار حق الوکاله ای را مطالبه می کند که حسب ادعا در رابطه با مالیاتی که در ایران برای او تعیین شده، پرداخت کرده است. خواهان استدلال می کند که طبق قرارداد، نیروی هوایی ملزم بوده کلیه مالیاتهای متعلقه ایران بابت قرارداد را به وی مسترد نماید. بنا به اظهار خواهان، هنگامی که بابت سالهای ۱۹۷۰ الی ۱۹۷۸ از وی مالیات مطالبه شد، نیروی هوایی به تعهد خود عمل نکرد و گرچه خواهان مکرراً از وی تقاضای کمک کرد، با اینحال نیروی هوایی از تعیین تکلیف مالیاتهای مورد مطالبه و یا پرداخت آنها خودداری نمود. خواهان اظهار می دارد که به منظور تقلیل خساراتی که نیروی هوایی بدانوسیله با تخلف از تعهدات قراردادی اش متحمل می شد، وی ناچار شد برای لغو یا کاهش مالیات مورد مطالبه نزد کمیسیون مالیاتی ایران طرح دعوی کند. خواهان می گوید که وی مجبور بود برای تعقیب این دعوی اداری که منجر به کاهش معتنا به میزان مالیات مورد مطالبه گردید، از وکلای ایرانی استفاده کند و بابت خدمات ایشان حق الوکاله هایی

حداقل به مبلغ مورد ادعا متحمل گردید.

۵۰ - خواهان در تایید ادعای مزبور چهار فقره صورتحساب تسلیم کرده است. اولین صورتحساب به تاریخ ۱۰ مارس ۱۹۷۶ (۲۰ اسفند ماه ۱۳۵۴)، صورتحسابی است از دفتر حقوقی دکتر ستوده به عنوان ارونوترانیک در تهران. این صورتحساب به "مالیات متعلقه در مورد عملیات سال ۱۹۷۳" اشاره نموده و مبلغ آن ۴۰۷۰۰،۱۷۸ ریال است که خواهان با تسعیر آن به دلار، رقم ۶۷،۴۳۴/۴۰ دلار بدست داده است. سه فقره صورتحساب دیگر که همگی به تاریخ ۱۱ مه ۱۹۸۱ (۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰) است، از دفتر حقوقی دکتر کردستانی به عنوان: "ارونوترانیک، " توسط "دکتر کردستانی در تهران" صادر شده است. یکی از صورتحسابها به "دعوی مالیاتی سال ۱۹۷۶ (طبق اختیار اعطایی توسط آقای کاستلو در تلکس مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۸۱/۳ بهمن ماه ۱۳۵۹) (از جمله خدمات ارائه شده در مورد مالیات سالهای ۱۹۷۵ - ۱۹۷۰)" اشاره نموده و مبلغ آن ۷۰،۳۹/۷۵ دلار است. در صورتحساب قهد شده که حق الوکاله های مذکور، به ریال محاسبه و "به نرخ رسمی ۷۳/۷۵ ریال (در ۲۸ ژانویه ۸۱/۸ بهمن ماه ۵۹) به ازاء یک دلار امریکا" تسعیر گردیده است. صورتحساب دیگر به دعوی مالیاتی سال ۱۹۷۷ (طبق اختیار اعطایی توسط آقای کاستلو در تلکس مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۸۱/۳ بهمن ماه ۱۳۵۹) اشاره کرده و مبلغ آن با استفاده از همان نرخ تبدیل، ۷۰،۹۹ دلار است. آخرین صورتحساب به "دعوی مالیاتی سال ۱۹۷۸ (طبق اختیار اعطایی آقای کاستلو طی تلکس ۲۷ فوریه ۸۱/۸ اسفند ماه ۵۹)" اشاره نموده و مبلغ آن با استفاده از نرخ تبدیل ۷۵/۵۰ ریال در تاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۱ (نهم اسفند ۱۳۵۹) ۲۷۷،۹۱۵ دلار ذکر شده است.

۵۱ - خواهان اظهار می دارد که گرچه حق الوکاله های مندرج در چهار صورتحساب یاد شده، مربوط به خدماتی است که در رابطه با کلیه عملیات وی در ایران در مواقع ذیربط، ارائه گردیده و برحسب قرارداد تفکیک نشده، با اینحال خدمات مربوط به قرارداد مورد بحث در پرونده حاضر، مبلغ ۱۳۱،۲۹۵ دلار از حق الزحمه های چهار سال را به خود

اختصاص داده است. طبق اظهار خواهان، حق الزحمه های قابل انتساب به قرارداد برای پنج سال بعد، که به طور متوسط نصف مبالغ متحمل را به خود اختصاص داده، چنانچه به مبلغ ۱۳۱،۲۹۵ دلار مندرج در صورتحسابها افزوده شود، از رقم ۱۳۵،۸۲۵ دلاری که مورد ادعای خواهان است، به مراتب بیشتر خواهد شد.

۵۲ - نیروی هوایی منکر آنست که ادعای مربوط به حق الوکالهها در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا بوده است. بنا به اظهار نیروی هوایی، صورتحسابها نشان می دهند که اعطای اجازه انجام آن خدمات و ارائه خود خدمات و نیز صدور صورتحساب بابت آنها، جملگی بعد از تاریخ مزبور صورت گرفته و لذا ادعای استرداد این مبالغ نمی توانسته قبلاً به وجود آمده باشد. نیروی هوایی مضافاً اظهار می دارد که هیچ مدرکی که حاکی از تخصیص حق الوکالهها به قرارداد باشد، ارائه نگردیده است.

۵۳ - خواهان توضیح می دهد که وی در جریان دعوی مالیاتی وکلایش را عوض کرد و دارالوکاله جدیدی، یعنی دارالوکاله دکتر کردستانی را به خدمت گرفت که به منظور نمایندگی خواهان در دعوی تجدید نظر مطروح نزد کمیسیون حل اختلاف مالیاتی، به اجازه نامه مذکور در صورتحسابها احتیاج داشت. از نظر خواهان، درخواست تجدید نظر مزبور و خدمات مربوط به آن، به کلیه مالیاتهای مورد مطالبه از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ در رابطه با قرارداد، مربوط می شد، و لذا ادعای استرداد این حق الزحمه ها هنگامی ایجاد شد که آن مالیاتها مطالبه گردیده و نیروی هوایی آنها نپرداخت و یا به آن اعتراض نکرد.

۵۴ - در قسمت ذیربط ماده ده بخش ب قرارداد، قید شده است که:

۵° - دولت ایران و موسسات و سازمانهای فرعی سیاسی آن، پی.او.اس.آی، و پیمانکاران فرعی غیرایرانی وی و کارکنان غیرایرانی هردو، و یا افراد تحت تکفل این کارکنان را از هرگونه مالیات یا عوارضی (از جمله مالیات پردرآمد شخصی یا درآمد شرکت ها یا بر دارایی، عوارض گمرکی یا وارداتی و یا سایر مالیات های مربوط به اسباب و اثاثه شخصی منزل، اتومبیلهای شخصی یا لوازم حرفه ای که جهت استفاده خصوصی به ایران وارد شود) معاف خواهند نمود.

۶ - چنانچه چنین معافیتهایی اعطا نشده و این قبیل مالیاتها وضع گردند و یا پرداخت آنها الزامی باشد، این قبیل پرداختهای مالیاتی به پی.او.اس.آی مسترد خواهد شد.*

۵۵ - از مفاد بندهای بالا روشن است که نیروی هوایی طبق قرارداد ملزم بوده، مالیاتهای مطالبه شده از خواهان در رابطه با قرارداد را به نامبرده بازپرداخت نماید. تلاش خواهان برای لغو یا کاهش مالیاتهای مورد مطالبه غیرمنطقی نبوده، زیرا که خواهان در واقع بدانوسیله خواسته است از میزان خساراتی که استحقاق دریافت آنرا از نیروی هوایی داشت بکاهد یا آنرا لغو نماید. پس از آنکه نیروی هوایی در این تلاشها از همکاری کامل خودداری کرد، خواهان حق داشت که از خدمات وکلای محلی استفاده کند. وکلای مزبور عملاً موفق شدند مالیات مورد مطالبه تشخیصی را به میزان معتناهیی تقلیل دهند و لذا نیروی هوایی باید هزینه های متحمل توسط خواهان بابت حق الوکاله های آنان را علی الاصول متحمل شود.

۵۶ - در مورد مطالبه خواسته، ادعای استرداد هزینه های مندرج در صورتحساب ۱۰ مارس ۱۹۷۶ (۲۰ دی ماه ۱۳۵۴) و هزینه های مربوط به مالیاتهای سال ۱۹۷۳، به وضوح ادعای پابرجایی بوده است. طرفین در مورد نرخ تبدیل مورد عمل توسط خواهان جهت تسعیر مبلغ ریالی این صورتحساب به دلار بحث نکرده اند، و لذا دیوان به ترتیبی که قبلاً عمل کرده، نرخ تسعیر پیشنهادی خواهان را می پذیرد. رجوع شود به پرونده والتر دلیو آرنسبرگ و سایرین و وزارت مسکن و شهرسازی جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۱-۲۱۳-۲۴ ص ۲۴ (انگلیسی) (۲۷ فوریه ۱۹۸۶ / هشتم اسفند ماه ۱۳۶۴). دیوان، مضافاً* تخصیص نصف مبلغ ۶۷،۴۳۴/۴۰ دلار مندرج در صورتحساب مزبور به خدمات مربوط به قرارداد را می پذیرد. لذا خواهان استحقاق دارد مبلغ ۳۳،۷۱۲/۲۰ دلار بابت این صورتحساب دریافت نماید.

۵۷ - در رابطه با سه فقره صورتحساب مورخ ۱۱ مه ۱۹۸۱ (۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰)، نظر دیوان داوری بر مبنای ادله و مدارک موجود اینست که ادعای استرداد حق الوکاله های

مندرج در آنها، طبق شرط مقرر در بند ۱ ماده دو بهانه حل و فصل دعاوی، در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا بوده است. خدمات وکلاء که حق الوکاله های مزبور مربوط بدانست، در رابطه با دعوی تجدید نظر جهت مالیاتهای مورد مطالبه برای سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸، ارائه شده است. خواهان ادله و مدارکی تسلیم نموده که حاکی است در همان اوایل، یعنی مه ۱۹۷۳، از نیروی هوایی جهت دفاع راجع به برگ های تشخیص مالیاتی کمک خواست و به منظور اعتراض به این برگهای تشخیص اقدام به طرح دعوی نمود. فیالمثل، خواهان طی نامه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۷۶ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۴) خود به نیروی هوایی اطلاع داد که "جلوگیری از این مطالبات مالیاتی غیرقانونی، هم برای (ارونوترانیک) و هم برای (نیروی هوایی) حائز کمال اهمیت است، زیرا حق الوکاله هایی که باید برای اعتراض به این برگ تشخیص ها پرداخت شود بسیار گزاف است و نیروی هوایی باید آنرا بپردازد". در نامه سپس به عنوان مثال ذکر شده است که فقط جهت اعتراض به مالیات تعیین شده برای سال ۱۹۷۳، حق الوکاله ای به میزان ۷۳،۰۰۰ دلار باید پرداخت گردد. بدینسان، حق الوکاله های مندرج در صورتحسابهای مه ۱۹۸۱ مربوط به خدمات حقوقی است که حداکثر در سال ۱۹۷۳ شروع شده و معلول رویدادهایی است که از آن تاریخ تا سال ۱۹۷۸ اتفاق افتاده و استمرار داشته است. ادعای استرداد حق الوکاله های مورد بحث مبتهنی است بر نقض ماده ده بخش ب قرارداد توسط نیروی هوایی، که پیش از تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) اتفاق افتاده است. بنابراین، حق الوکاله ها در حکم خسارتی بوده که مدتها پیش از آن تاریخ وارد شده و از آن به بعد صرفاً ادامه یافته و بدین ترتیب مبلغ ادعایی را که پابرجا بوده، افزایش داده است. تا این حد مورد حاضر با پرونده جی.آی.کیس کامپنی و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، حکم شماره ۱-۲۴۴-۵۷، ص ۵ (انگلیسی) (۱۵ ژوئن ۱۹۸۳/۲۵ خرداد ۱۳۶۲) تفاوت دارد که در آن، موعد پرداخت یکی از اقساط متعددی که می بایست طبق صورتحساب پرداخت می شد، بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) فرا می رسید. به عکس، نتیجه گیری حاصله در این پرونده، با تصمیم متخذ در پرونده بهرینگ اینترنشنال اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران، قرار موقت و اعدادی شماره

۳-۳۸۲-۵۲، ص ۵۲ متن فارسی (۲۱ ژوئن ۱۹۸۵ / ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۴) مطابقت دارد. در پرونده اخیر دیوان نظر داد که "در صورتی که نقض تعهد، قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹)، یا در آن تاریخ رخ داده باشد، دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابل بابت کلیه خساراتی که منطبقاً قابل پیش بینی بوده و بعد از آن تاریخ وارد و در اثر نقض تعهد حادث شده باشد را، دارد، صرفنظر از اینکه این خسارت در چه تاریخی شروع شده، یا بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) ادامه داشته یا نداشته است." بالتجیه، دیوان نسبت به این بخش از ادعا صلاحیت دارد.

۵۸ - دیوان داوری نیازی به بحث راجع به نرخ تبدیل مذکور در صورتحسابهای مه ۱۹۸۱ نمی بیند. خود خواهان فقط مبلغ ۹۷،۵۸۲/۸۰ دلار به این صورتحسابها اختصاص داده است. این رقم با کاهش مبلغ ۳۳،۷۱۲/۲۰ دلار تخصیصی به صورتحساب اول توسط خواهان، از ۱۳۱،۲۹۵ دلاری که نامبرده به کلیه چهار فقره صورتحساب تخصیص داده، به دست آمده است. رقم ۹۷،۵۸۲/۸۰ دلار مزبور، از نصف کل مبلغ سه صورتحساب مه ۱۹۸۱ با استفاده از نرخ تبدیل مورد عمل در آن صورتحسابها، بیشتر نیست.

۵۹ - نیروی هوایی به حق الوکاله های مورد ادعا در رابطه با مطالبات مالیاتی که در چهار صورتحساب فوق الذکر درج نشده، ایراد گرفته است. خواهان در مورد این حق الوکالهها، و همچنین راجع به تخصیص نهایی آنها به قرارداد، مدرکی ارائه نکرده است. با توجه به فقدان چنین مدارکی، خواهان فقط استحقاق دارد مبلغ ۱۳۱،۲۹۵ دلار، یعنی کل مبلغ حق الوکاله های وکلای ایرانی مندرج در چهار صورتحساب را دریافت نماید.

(د) بهره

۶۰ - خواهان نسبت به کلیه مطالبه مورد ادعا، از نوامبر ۱۹۷۶ تا تاریخ پرداخت محکوم به، به نرخ ممتاز، بهره مطالبه می کند. نامبرده اظهار می دارد که سرمایه وی توسط

شرکت مادر او، فورد اروسپیس کامپنی تامین و سرمایه شرکت مزبور نیز به نوبه خود توسط شرکت مادر وی، فورد موتور کامپنی تامین شده است. خواهان نرخ بهره ممتاز را به عنوان "ضابطه مناسب جهت محاسبه هزینه استقراض فورد موتور کامپنی تلقی می‌کند) و یا به عبارت دیگر، چنانچه خواهانها وجوه مقرر طبق این قراردادها را پرداخت کرده بودند، بازدهی که از سرمایه گذاری آن وجوه عاید می‌شد معادل نرخ بهره ممتاز می‌بود)..."

۶۱ - خوانندگان درخواست کرده اند که دیوان اتخاذ تصمیم در مورد مساله بهره را تا صدور رای دیوان در پرونده شماره الف/۱۹ به تعویق اندازد.

۶۲ - این استدلال که تا اخذ تصمیم دیوان عمومی در پرونده شماره الف/۱۹ نباید حکم به پرداخت بهره داده شود، پذیرفتنی نیست. همانطور که دیوان در پرونده آر. جی. رینولدز و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۳۵-۱۴۵، ص ۱۹ (ششم اوت ۱۵/۱۹۸۴ مردادماه ۱۳۶۳) نظر داده:

" قبلاً هنگامی که موضوع بهره به طور غیر رسمی در دیوان عمومی مطرح گردید، نظر غالب این بود که تا تعیین تکلیف نهایی موضوع توسط دیوان عمومی، هر شعبه باید موضوعات مربوط به بهره در پرونده های تحت رسیدگی را بنا به صلاحدید خود را "سا" حل نماید. شعب سه گانه همواره به این ترتیب عمل کرده اند. اقدام خلاف آن بدان معنی می بود که برای مدت نامعلومی از کار دیوان جلوگیری به عمل آید، چه عملاً در هر پرونده ای بهره مطالبه شده است."

از اینرو، درخواست خوانندگان رد می شود.

۶۳ - خواهان استحقاق دارد نسبت به مبلغ ۱۰۷،۱۰۷/۰۷ دلار بابت صورت حسابهای پرداخت نشده و نسبت به مبلغ ۱۳۱،۲۹۵ دلار بابت حق الوکاله وکلای ایرانی بهره دریافت نماید. مبلغ محکوم به بابت صورت حسابهای پرداخت نشده، به استثنای مبلغ نسبتاً کوچکی که در صورت حساب اول ذکر شده، در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۳ خرداد ماه ۱۳۵۷) لازم التادیه بوده است. لذا رای دیوان اینست که از تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۳ خرداد ماه

۱۳۵۷) نسبت به مبلغ ۱۰۷،۱۰۷/۰۷ دلار بهره تعلق می‌گیرد.

۶۴ - در رابطه با حق الوکاله ها، خواهان نمی‌توانسته هزینه‌های مندرج در سه فقره از صورت‌حسابها را، پیش از تاریخ ۱۱ مه ۱۹۸۱ (۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰)، یعنی پیش از تاریخ این صورت‌حسابها، متحمل شده باشد. خواهان ادعا نکرده که این صورت‌حسابها، یا حتی صورت‌حساب چهارم را که پیش از آن تاریخ صادر شده، پرداخت کرده و نیز اظهار نداشته که پیش از ثبت دادخواستش نزد دیوان در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آذر ماه ۱۳۶۰)، این حق الوکاله‌ها را از نیروی هوایی مطالبه کرده بوده است. حق الوکاله وکلای ایرانی در خلاصه ادعای خواهان که نامبرده در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۱ (۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۰) در رابطه با مذاکرات مصالحه به نیروی هوایی تسلیم نموده، نیز درج نشده است. لذا رای دیوان اینست که از تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آذر ماه ۱۳۶۰) که خواهان دادخواستش را به ثبت رساند، نسبت به مبلغ ۱۳۱،۲۹۵ دلار، بهره تعلق می‌گیرد.

۶۵ - در رابطه با نرخ مناسب بهره ای که باید اعمال شود، این شعبه قبلاً در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵/۶ تیرماه ۱۳۶۴) قصد خود را جهت ابداع و اعمال رویه ثابتی در مورد پرداخت بهره در پرونده‌های مطروح نزد خود اعلام کرده است. در صورت عدم تصریح نرخ بهره در قرارداد، روش دیوان داوری این است که نرخ بهره را تقریباً "برمبنای مبلغی محاسبه‌کننده اگر محکوم له، محکوم به را در اختیار می‌داشت و آن را در نوعی سرمایه‌گذاری تجاری متداول در کشور خودش بکار می‌انداخت، می‌توانست به آن میزان منتفع شود. سپرده‌های شش ماهه در ایالات متحده نوعی از این قبیل سرمایه‌گذاری است که متوسط نرخ بهره آنها را می‌توان از منابع رسمی و موثق بدست آورد.

۶۶ - در خود پرونده سیلوانیا، دیوان نرخ بهره ای را که تقریباً معادل متوسط نرخ بهره سپرده‌های شش ماهه در مدت ذیربط در آن پرونده بود، یعنی حدوداً از سال ۱۹۷۹

لغایت سال ۱۹۸۴، اعمال کرد. نرخ مورد استفاده ۱۲ درصد بود. در پرونده حاضر، دوره های زمانی مربوط به دو فقره ادعا، از تاریخهای متفاوتی شروع می شود. از اینرو، دیوان نرخهای بهره متفاوتی نسبت به هر ادعا، اعمال می کند.

۶۷- دوره زمانی ادعای مربوط به مبلغ ۱۰۷،۱۰۷/۰۷ دلار از ۱۳ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۳ خرداد ماه ۱۳۵۷) آغاز می شود. متوسط نرخ بهره سپرده های شش ماهه از آن تاریخ تا تاریخ این حکم، حدوداً ۱۱/۲۵ درصد بوده و این نرخ است که دیوان نسبت به آن دوره اعمال می کند (۱).

۶۸- دوره زمانی ادعای مبلغ ۱۳۱،۲۹۵ دلار، از ۱۷ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آذر ماه ۱۳۶۰) شروع می شود. متوسط نرخ قابل اعمال از آن تاریخ تا تاریخ حکم حاضر، ۱۰ درصد می باشد.

هـ (مسئولیت بابت مالیاتها

۶۹- خواهان اظهار می دارد که در رابطه با قرارداد، مبلغ ۵۶۰،۲۹۷،۱۹۷ ریال بابت سالهای ۱۹۷۰ الی ۱۹۷۸ از وی مالیات مطالبه شده است. خواهان تقاضا دارد که دیوان قصد صریح طرفین را مبنی بر اینکه نیروی هوایی مسئول و متعهد به پرداخت کلیه مالیاتهای متعلقه ایران است، با اعلام موارد زیر به مورد اجرا در آورد: (یک) نیروی هوایی کلیه مالیاتها و جرایم مورد مطالبه از وی (ارونوترانیک) درباره قرارداد "پیس نت" را بپردازد، (دو) نیروی هوایی قبض رسید این پرداختها را (به ارونوترانیک) تحویل دهد، و (سه) ارونوترانیک از کلیه این مسئولیتها مبری شناخته شود". در جلسه استماع پرونده،

(۱) دیوان داوری آخرین نرخ منتشره موجود در مورد استفاده قرارداد و آنرا تا یک چهارم درصد بصورت اضافی یا نقصانی تعدیل می کند.

خواهان مضافاً تصریح کرد که وی خواستار " براءت قطعی" از کلیه تعهدات مالیاتی در رابطه با قرارداد است.

۷۰ - خواندگان منکرآنند که خواهان مستحق خواسته مورد تقاضا در این قسمت از ادعاست. ایشان استدلال می کنند که معافیت مالیاتی مذکور در قرارداد خلاف مقررات آمره قوانین ایرانست و بالتیجه، نیروی هوایی مسئول پرداخت هیچگونه مالیاتی در رابطه با قرارداد نیست. بالعکس، نیروی هوایی اظهار می دارد که خواهان متعهد است مبلغ ۸۱۳،۲۰۷،۰۲۱ ریال مالیات بپردازد، و بابت این مبلغ ادعای متقابلی را مطرح ساخته است .

۷۱ - نظر دیوان داوری اینست که قطع نظر از اینکه معافیت مالیاتی مذکور در قرارداد، طبق قوانین ایران نسبت به طرفین نافذ و لازم الاجرا باشد یا نباشد، خواهان می تواند به آن قسمت از ماده ده بخش ب قرارداد استناد نماید که نیروی هوایی را ملزم می سازد در صورت مطالبه مالیات از خواهان و الزام وی به پرداخت آن، مبلغ آنرا به خواهان مسترد نماید، هر تعهدی که طبق قوانین ایران در مورد پرداخت مالیاتها برعهده خواهان باشد، این امر تأثیری در تعهد قراردادی بازپرداخت آن که نیروی هوایی به موجب شرط یاد شده بدان ملتزم گردیده، ندارد. نظر به اینکه دولت یا وزارتخانه، قبلاً هیچگاه به چنین قید استرداد و یا به رویه بعدی طرفین پیش از جریان رسیدگی حاضر اعتراض نکرده اند، بنابراین، این استدلال که چنین قید قراردادی باطل و بلااثر است اکنون قائم کننده نبوده، و نمی تواند مورد استناد قرار گیرد. از اینرو، نیروی هوایی نمی تواند خواهان را ملزم به پرداخت مالیات بنماید، زیرا خواهان می تواند طبق قید بازپرداخت مذکور در قرارداد، استرداد آنرا مطالبه کند.

۷۲ - بالتیجه، دیوان براین نظر است که نیروی هوایی حق ندارد از خواهان بخواهد مالیاتهایی را که طبق اظهار خواهان یا نیروی هوایی در رابطه با قرارداد "پیس نت" از

خواهان مطالبه شده، بپردازد. هرگونه ادعائی بابت هر مالیات دیگری که خواهان در رابطه با اجرای آن قرارداد، پس از صدور حکم حاضر، مسئول پرداخت آن شناخته شود، خارج از صلاحیت دیوان بوده و لذا دیوان صلاحیت صدور حکم ابراء از چنین مسئولیت احتمالی آتی را ندارد. رجوع شود به : کامپیوتر ساینسز کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۱-۶۵-۲۲۱، ص ۳۷ (انگلیسی) (۱۶ آوریل ۱۹۸۶/۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۵). صدور حکم اعلامی به منظور برائت خواهان که مورد درخواست اوست اساساً بمنزله اینست که از دیوان خواسته شود قوانین مالیاتی ایران را اعمال کند و همانطور که دیوان در پرونده کامپیوتر ساینسز کورپوریشن، همان ماخذ، صفحه ۵۵ (انگلیسی) نظر داده، دیوان نسبت به چنین ادعایی فاقد صلاحیت است و لذا، با توجه به نتیجه گیری یاد شده در بالا، دیوان هیچگونه نیاز یا مبنائی برای صدور حکم ابراء دیگری نمی یابد.

ز) خواسته مربوط به جریان دادرسی در دادگاه عمومی تهران

۷۳ - نیروی هوایی ادعاهای متقابل خود بابت نقض قرارداد پرونده حاضر را در ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۲ (۲۹ شهریور ماه ۱۳۶۱) به ثبت رساند. در تاریخ اول اکتبر ۱۹۸۳ (۹ مهر ماه ۱۳۶۲) وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران دعوائی علیه خواهان در دادگاه عمومی تهران اقامه کرد که ادعاهایی مشابه ادعاهای متقابل نیروی هوایی بابت نقض قرارداد، در آن مطرح شده است. به درخواست خواهان که جهت حضور در جریان دادرسی تهران احضار شده بود، دیوان داوری قرار اعدادی شماره ۱-۱۵۸-۴۴ مورخ ۲۷ اوت ۱۹۸۴ (۵ شهریور ماه ۱۳۶۳) را در پرونده ارونوترانیک اورسیز سرویسز، اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین صادر و ضمن آن مقرر داشت که دولت ایران جهت توقیف جریان رسیدگی در دادگاه عمومی تهران تا تاریخی که دیوان نسبت به تقاضای خواهان بر مبنای نظرات هر دو طرف رای صادر کند، اقدام نماید. پس از دریافت نظرات نیروی هوایی نسبت به درخواست خواهان، دیوان ضمن صدور قرار موقت شماره ۱-۱۵۸-۴۷ مورخ ۱۴ مارس ۱۹۸۵ (۲۳ اسفند ماه ۱۳۶۳) در پرونده حاضر تقاضا کرد که دولت ایران کلیه

اقدامات لازم را جهت توقیف دادرسی در دادگاه عمومی تهران تا ختم نهایی جریان رسیدگی پرونده حاضر به عمل آورد. متعاقب ارسال احضاریه دوم برای خواهان جهت حضور در دادگاه تهران، دیوان طی دستور ثبت شده در ۱۷ مه ۱۹۸۵ (۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴) "موکدا" به خواندگان یادآور شد که شرایط قرار موقت شماره ۱-۱۵۸-۴۷ مورخ ۱۴ مارس ۱۹۸۵ (۲۳ اسفند ماه ۱۳۶۳) تمام و کمال به قوت خود باقی است. متعاقب احضاریه سوم ارسالی برای خواهان جهت حضور در دادگاه تهران، دیوان طی دستوری که در ۱۸ دسامبر ۱۹۸۵ (۲۷ آذر ماه ۱۳۶۴) به ثبت رسید، "بار دیگر موکدا" به خواندگان یادآور شد که مفاد قرار موقت شماره ۱-۱۵۸-۴۷ مورخ ۱۴ مارس ۱۹۸۵ (۲۳ اسفند ماه ۱۳۶۳) تمام و کمال به قوت خود باقی است.

۷۴ - خواهان در جلسه استماع، خواستار صدور دستور مقتضی در رابطه با آخرین احضاریه گردید. از آنجا که دیوان داوری به موجب این حکم، راجع به صلاحیت رسیدگی به ماهیت دعاوی خواهان و ادعاهای متقابل نیروی هوایی تصمیم نهایی اتخاذ کرده است، لذا قرار موقت صادره در پرونده بموجب شرایط خود بلااثر می شود. اکنون که دیوان نسبت به ادعاها و ادعاهای متقابل بابت نقض قرارداد در پرونده حاضر احراز صلاحیت کرده، (دیوان نسبت به ادعاهای متقابل مربوط به مالیات و حق بیمه اجتماعی صلاحیت ندارد. رجوع شود به: بخش سوم، پاراگراف ج و د قسمت ۳ زیر) اینگونه ادعاها و ادعاهای متقابل از تاریخ ثبت آنها در دیوان داوری، خارج از حیطه صلاحیت هر دادگاه دیگری شناخته می شوند. دیوان داوری با رویه ثابتی که از زمان صدور قرار موقت شماره ۱۳-۳۸۸ مورخ ۴ فوریه ۱۹۸۳ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۱) دیوان عمومی در پرونده ای سیستمز اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده، این پیامد بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی را مورد تأیید قرار داده است. تأثیر احراز صلاحیت توسط دیوان در پرونده حاضر اینست که از تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۲ (۲۹ شهریور ماه ۱۳۶۱)، یعنی تاریخ ثبت ادعاهای متقابل نیروی هوایی نزد دیوان، دادگاه تهران دیگر جهت رسیدگی به موضوع ادعاهایی که نیروی هوایی در تاریخ اول اکتبر ۱۹۸۳ (۹ مهرماه ۱۳۶۲) در آنجا مطرح

کرده، صالح شناخته نمی شود. دیوان دآوری، ضمن تایید این پیامد حقوقی بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی و با توجه به قرارهای موقت صادره در این پرونده، دیگر نیاز یا مبنایی برای صدور حکم خواسته های پیش از آنچه قبلاً داده شده، نمی بیند. رجوع شود به: کوئستک اینک و وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱، ص ۳۵ (انگلیسی) (۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵ / ۳ مهرماه ۱۳۶۴).

ج (ادعاهای مطروح علیه دولت ایران

۷۵- خواهان در دادخواست خود، خواسته مورد ادعا در این پرونده را از کلیه خواندگان، از جمله دولت ایران، مطالبه کرده است. خواهان در جلسه استماع تایید کرد که ادعای خود را علیه دولت ایران و واحد تحت کنترل وی، نیروی هوایی، مطرح کرده است. در حکم حاضر، دیوان نظر داده است که نیروی هوایی متعهد است مبالغی بابت صورتتصاها و حق الوکاله های پرداخت نشده، به خواهان بپردازد. مابقی ادعاهای خواهان مردود شناخته می شوند. بدینسان، بابت هیچیک از ادعاهای خواهان مسئولیت جداگانه ای متوجه دولت ایران نیست. این تصمیم تائیری براین نتیجه گیری دیوان ندارد که دادگاه تهران دیگر برای رسیدگی به موضوع ادعاهایی که نیروی هوایی در اول اکتبر ۱۹۸۳ (۹ مهرماه ۱۳۶۲) در آنجا مطرح کرده، صالح شناخته نمی شود.

۳ - ادعاهای متقابل

الف) در رابطه با اصلاحیه شماره ۴

۷۶ - نیروی هوایی خواستار استرداد مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ دلار است که حسب ادعا بابت خدمات خواهان طبق اصلاحیه شماره ۴ قرارداد پرداخته است. نیروی هوایی اظهار می دارد که سیستم زمین به هوا، که بخش اعظم کار آن اصلاحیه را تشکیل می داده، به علت

نارسائی ها و نواقص ارتباطی که خواهان مسئول آنست، کلاً غیرقابل استفاده می باشد. خواهان اظهار می دارد که تعهدات قراردادی اش را ایفاء نموده و هرگونه نقص و عیبی در سیستم ارتباطی ربطی به کار وی ندارد. نامبرده مضافاً اظهار می دارد که نیروی هوایی، سیستم زمین به هوا و کلیه کارهای انجام شده طبق اصلاحیه شماره ۴ را قبول کرده است.

۷۷ - خواهان یک فرم پذیرش نهایی به ضمیمه نامه ای که نیروی هوایی به عنوان وی مبنی بر تایید آن فرم ارسال داشته، تسلیم کرده است. در فرم قید شده که "بموجب این سند گواهی می شود که ارونوترانیک اورسبز سرویسز، اینک (آ.او.اس.آی) تعهدات قراردادی خود بابت اصلاحیه شماره ۴ قرارداد سی.پی. ۲۰۵۴ "پیس نت" را به طور کامل ایفاء کرده است". با توجه به این سند تایید و نیز با توجه به اینکه همزمان با اجرای اصلاحیه، ایراد و اعتراضی نسبت به خدمات ارائه شده توسط خواهان، مطرح نشده است، دیوان متقاعد شده است که خواهان تعهدات خود بابت اصلاحیه شماره ۴ قرارداد را به نحو مقتضی ایفا کرده است. لذا ادعای متقابل مزبور مردود شناخته می شود.

ب (در رابطه با اصلاحیه شماره ۱۳

۷۸ - نیروی هوایی طالب استرداد مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ دلار هزینه ای است که حسب ادعا برای تکمیل کاری که خواهان در مورد اصلاحیه شماره ۱۳ ناتمام باقی گذارده، متحمل شده است. دیوان داوری قبلاً نظر داده است که به استثنای پنج قلم مشخص، خواهان تعهدات قراردادی خود بابت آن اصلاحیه را ایفاء نموده است. رجوع شود به بخش سوم، قسمت ۲، پاراگراف الف، بالا. دیوان ضمن صدور حکم پرداخت مهالغ متعلقه بابت اصلاحیه شماره ۱۳، قیمت این اقلام ناتمام را در محاسبه منظور کرده است. بنابراین، ادعای متقابل مزبور نیز باید مردود شناخته شود.

ج (مالیاتها

۷۹ - نیروی هوایی ادعای متقابلی به مبلغ ۸۱۳،۲۰۷،۰۲۱ ریال بابت مالیاتهایی که وزارت دارایی بابت عملیات خواهان در ایران از سال ۱۹۷۰ الی ۱۹۸۱ از وی مطالبه کرده، مطرح ساخته است. نیروی هوایی ادعا می کند که طبق قرارداد، خواهان متعهد بوده است که مالیاتها را پرداخت کند. خواهان به صلاحیت دیوان نسبت به ادعای متقابل ایراد گرفته و ادعای متقابل را فاقد پایه و اساس می داند.

۸۰ - به موجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، دیوان داوری فقط نسبت به ادعای متقابلی صلاحیت رسیدگی دارد " که از همان قرارداد، معامله یا رویدادی که موضوع ادعای اصلی را تشکیل داده ناشی شده باشد". همانطور که دیوان در بالا، بخش سوم، قسمت ۲، هـ نظر داده، در قرارداد مشخصاً مقرر شده است که خواهان از پرداخت مالیات معاف خواهد بود. بنابراین، تعهد ادعایی پرداخت مالیات در پرونده حاضر بوسیله قراردادی که موضوع ادعاست وضع نگردیده، بلکه فقط می تواند از اعمال قوانین مالیاتی ذریبط ایران ناشی شود. همانطور که دیوان پیوسته نظر داده، تعهد پرداخت مالیات یک رابطه حقوقی است که از شمول قانون نسبت به وضعیتی که شخص حقیقی یا حقوقی در آن قرار می گیرد، ناشی می شود و نه از یک رابطه قراردادی که بین طرفین قرارداد، بموجب آن قرارداد وجود دارد. به دلایل فوق، ادعای متقابل نیروی هوایی بابت مالیاتها، از حیثه صلاحیت دیوان خارج است.

د) حق بیمه اجتماعی

۸۱ - آخرین ادعای متقابلی که نیروی هوایی مطرح می سازد بابت حق بیمه اجتماعی به مبلغ ۸۴،۱۳۰،۲۶۴ دلار است که حسب ادعا، خواهان در رابطه با قرارداد "پیس نت" مدیون است. نیروی هوایی استدلال می کند که خواهان با قرارداد با نیروی هوایی و پرداخت

حقوق به کارکنان در اجرای آن قرارداد، ملزم بوده است که "طبق قوانین مربوط به تامین اجتماعی ایران" حق بیمه اجتماعی بپردازد. نامبرده همچنین اظهار می دارد که "به موجب ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی ایران، نیروی هوایی مسئول تسویه دیون مربوط به تامین اجتماعی شناخته خواهد شد". خواهان صلاحیت دیوان نسبت به ادعای متقابل حاضر را رد نموده و هرگونه مسئولیتی به موجب قانون تامین اجتماعی را انکار می کند.

۸۲ - همانطور که در بالا، در رابطه با ادعای متقابل مالیاتی گفته شد، دیوان فقط نسبت به ادعاهای متقابلی صلاحیت رسیدگی دارد " که از همان قرارداد، معامله یا رویدادی که موضوع ادعای اصلی را تشکیل داده، ناشی شده باشد". تعهد ادعایی پرداخت حق بیمه اجتماعی در این پرونده بوسیله قراردادی که موضوع ادعا را تشکیل داده وضع نشده، بلکه ناشی از اعمال قوانین ذیربط تامین اجتماعی ایران است. خود نیروی هوایی، به هیچ منهای حقوقی دیگری اشاره نمی کند. همانطور که دیوان در پرونده تی.سی.اس.بی. اینک و ایران، حکم شماره ۱۴۰-۱۱۴، ص ۲۰ (۱۶ مارس ۲۶/۱۹۸۴ اسفند ماه ۱۳۶۲) نظر داد و در پرونده سهلوانها تکتهکال سہستمز اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱۸۰-۶۴-۱، ص ۴۸ (۲۷ ژوئن ۶/۱۹۸۵ تیرماه ۱۳۶۴) آن نظر را تایید کرد، چنین تعهدی متضمن "روابط حقوقی است که از شمول قانون بر وضعیتی که هر یک از طرفین منفرداً" در آن قرار می گیرد" ناشی می شود و نه از یک "رابطه قراردادی فیما بین طرفین آن قرارداد". بنابراین، دیوان نسبت به ادعای نیروی هوایی بابت حق بیمه اجتماعی صلاحیت ندارد.

۴ - هزینه ها

۸۳ - خواهان مبلغ ۱۰۵،۰۰۰ دلار بابت هزینه های داوری مطالبه می کند که ۷۰،۰۰۰ دلار آن بابت حق الوکاله، ۲۶،۰۰۰ دلار آن بابت مخارج، و ۹،۰۰۰ دلار آن بابت هزینه سفر و سایر هزینه های شهود است. با توجه به ضوابط مندرج در پرونده سیلوانیا سیستمز

اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، صفحات ۳۸-۳۵ (انگلیسی) (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵/۶ تیرماه ۱۳۶۴) و نیز با در نظر گرفتن نتیجه این پرونده، دیوان داوری براین نظر است که هر یک از طرفین باید هزینه های داوری خود را متحمل شود.

چهارم - حکم

۸۴ - بنا به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند:

الف - خواننده، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران متعهد است مبلغ دوپست و سی و هشت هزار و چهارصد و دو دلار و هفتاد سنت (۲۳۸،۴۰۲/۷۰ دلار آمریکا) به اضافه بهره ساده به نرخ ۱۱/۲۵ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۱۰۷،۱۰۷/۰۷ دلار، از تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۳ خرداد ماه ۱۳۵۷) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد، به اضافه بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۱۳۱،۲۹۵ دلار از تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آذر ماه ۱۳۶۰) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین صادر کند، به خواهان، ارونوترانیک اورسیز سرویسز، اینک، بپردازد.

ب - تعهدات مذکور با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفاء خواهد شد.

ج - خواهان، ارونوترانیک اورسہز سرویسز اینک، متعهد است * نقشہ های اجرایی مهندسی او.سی.پی پایگاہ هوایی خاتمی * مشروح در اصلاحیہ شماره ۱۳ قرارداد شماره سی پی ۲۰۵۴، را بہ خواندہ، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران، تحویل دہد.

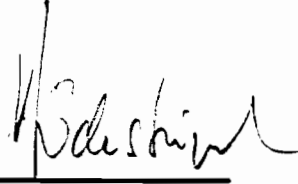
د - در رابطہ با درخواست خواهان، ارونوترانیک اورسہز سرویسز، اینک مبنی بر توقیف دادرسی در دادگاہ عمومی تہران کہ توسط خواندہ، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران، آغاز گردیدہ، دیوان داورۃ براین نظر است کہ ادعایی کہ دیوان در این حکم خود را صالح برای رسیدگی بدانہا شناختہ، بہ موجب شرایط بیانیہ حل و فصل دعاوی از تاریخی کہ این قبیل ادعاہا بہ صورت ادعای متقابل نزد این دیوان بہ ثبت رسیدہ، از حیثہ صلاحیت آن دادگاہ یا ہر دادگاہ دیگری خارج ہودہ، وکماکان خارج خواہد ہود.

ہ - ہریک از طرفین ہزینہ های داورۃ خویش را تقبل خواہد کرد.

و - مابقی ادعاہا و ادعای متقابل مردود شناختہ می شوند.

ز - ہدینوسیله حکم حاضر جہت ابلاغ بہ کارگزار امانی بہ ریاست دیوان داورۃ تسلیم می شود.

لاسه، به تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۶ برابر با ۳۰ خرداد ماه ۱۳۶۵



کارل - هاینس بوکشتینگل

رئیس شعبه یک

به نام خدا



هوارد ام . هولتزمن

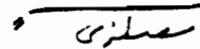
مخالف در مورد عدم قبول

ادعاهای تجدید مهندسی و

تاخیر و موافق در مورد بقیه

قسمت های حکم. نظر جداگانه

را ملاحظه کنید.



محسن مصطفوی

موافق در بخشی از حکم و

مخالف در بخشی دیگر.

رجوع شود به: نظر جداگانه

آن. رک. ف